

برساخت‌های شخصی پسران از نزاع‌های بین فردی خود در بستر محلات شیراز (مشارکت‌کنندگان: مهرجویان کانون اصلاح و تربیت استان فارس)

جهانگیر جهانگیری^۱، سید محسن زهری بیدگلی^۲

چکیده:

هدف از این مقاله، ارائه‌ی یک چارچوب نظری و مدل پارادایمی از برساخت‌های شخصی پسران از نزاع‌های بین فردی‌شان در بستر محله‌های زندگی آنهاست. برای تحقق این هدف از روش‌شناسی کیفی و روش نظریه‌ی زمینه‌ای استفاده شد. مشارکت‌کنندگان این تحقیق را با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار، هجده پسر ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ی شیرازی تشکیل دادند که در کانون اصلاح و تربیت استان فارس به علت ارتکاب نزاع‌های بین فردی حضور داشتند. برای دستیابی به چارچوب نظری و مدل پارادایمی از طریق ۳ مرحله‌ی کدگذاری، بیش از ۵۰ مفهوم، ۱۳ مقوله‌ی فرعی، ۶ مقوله‌ی اصلی و یک مقوله‌ی هسته با عنوان «قمپزشدن برای سازگاری با شرایط زندگی در محلات» استخراج گردید. چارچوب نظری کشف شده حاصل از این پژوهش مطرح می‌کند که پسران در فضای اجتماعی نامساعد محلات خود، به طور مکرر در معرض نزاع‌های متنوع قرار می‌گیرند. با این مواجهه، علاوه بر حساسیت‌زدایی نسبت به پدیده‌ی نزاع و مشروعیت‌بخشی به کاربرد آن، این قضیه در ذهن پسران خطور می‌کند که آنها نیز ممکن است قربانی نزاع شوند؛ بنابراین ترس از بزه‌دیدگی و همچنین پیش‌بینی قربانی شدن، آنها را به فکر چاره‌ای اساسی می‌اندازد. بر این اساس پذیرش ارتکاب نزاع، مطلوب‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین راهبرد برای حل مسائل شخصی و خانوادگی، در دسترس پسران محلات

jjahangiri@rose.shirazu.ac.ir

Zohri.mohsen@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱۲

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

تاریخ وصول: ۹۳/۳/۱۱

پایین شهری است. آنها با ارائه و نمایش یک نزع شکوهمند و فتح آن، نه تنها مشکل حاضر خود را حل می‌نمایند، بلکه با کسب یک هویت قمپزی، از خطرات احتمالی آتی نیز پیشگیری می‌کنند. از نظر پسران، کسب هویت قمپزی در این محلات برای ادامه‌ی حیات ضروری است که منجر به کاهش آسیب و در نهایت باعث بیمه شدن خود و دگران مهم آنها در برابر انواع قربانی شدن می‌شود.

واژگان کلیدی: نزع، محلات شهری، شهر شیراز، پسران، نظریه‌ی زمینه‌ای

مقدمه و طرح مسأله

سازمان بهداشت جهانی^۱ در سال ۲۰۰۹ اعلام کرد که رفتارهای خشن به شدت تحت تأثیر بستر و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۹: ۱۲). بنابراین، به نظر می‌رسد فهم و پیشگیری از خشونت جوانان، مستلزم تأکید اساسی بر بستر فرهنگی و اجتماعی است که این حوادث در آنها رخ می‌دهد. در این زمینه، اجتماعات و مکان‌های محلی^۲ به عنوان محتوا و بستر زندگی روزمره‌ی جوانان در محلات شهری می‌تواند دارای اهمیت باشد (دیکنز^۳، ۱۳۷۷: ۱۳)؛ زیرا محله‌های شهری را می‌توان به مثابه‌ی کوچکترین واحدهای کالبدی و اجتماعی در بدنه‌ی سنتی شهرهای ایران به حساب آورد. هرچند محلات مرزبندی فیزیکی مشخصی ندارند، اما محدوده‌ی آنها حداقل برای ساکنان هر محله مشخص است (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶؛ ۱۹). محله‌های شهری دربرگیرنده‌ی نمادها و معانی اجتماعی مورد توافق همگان هستند که به طور قابل تأملی می‌توانند روابط اجتماعی را متأثر سازند. به گمان گیدنز^۴، محل‌ها صرفاً نقاطی در فضا و مجموعه‌ای از لحظات نیستند که در آن کنش جا می‌گیرد، بلکه محل‌ها حکم زمینه‌های اجتماعی دارند که مرزهایی را برای یادگیری و تفسیر اجتماعی فراهم می‌کنند (افروغ، ۱۳۷۷). افراد با تفسیر، تعریف و بازتعریف دائمی اجتماعات محلی، دارای یک طرح‌واره‌ی اجتماعی^۵ می‌شوند و با توجه به این اصول و

۱- World Health Organisation

۲- Locality and Locale

۳- Dickens

۴- Giddens

۵- social schemas

قضایای انتزاعی، وضعیت را دریافت می‌کنند و نسبت به آن کنش مناسب نشان می‌دهند (بوردیو، ۱۹۹۰).

نقش بستر و فرهنگ محلات شهری در شکل‌گیری خشونت در تحقیقات خارجی، به وفور دیده می‌شود (بینا علی و همکاران^۱، ۲۰۱۱؛ بروکمن و همکاران^۲، ۲۰۱۱؛ استوارت و سیمونز^۳، ۲۰۰۶؛ لی فرانس و همکاران^۴، ۲۰۰۸؛ ویکستروم و سون‌سون^۵، ۲۰۰۸؛ جانسون و همکاران^۶، ۲۰۰۴؛ گیورا و همکاران^۷، ۲۰۰۳)، اما در تحقیقات داخلی، رابطه‌ی بین انواع متغیرهای مرتبط با شهر و خشونت بین‌فردی جوانان، صرفاً با رویکرد کمی و محیطی مورد بررسی قرار گرفته است (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹؛ شمس و همکاران، ۱۳۹۱). محققان متعددی نیز به مطالعه‌ی مسأله‌ی نزاع جمعی در بین شهرهای مختلف کشور علاقه نشان داده‌اند (میرفردی و صادق‌نیا، ۱۳۹۱؛ ناییب و جسور خواجه، ۱۳۸۸؛ زینت‌مطلق و همکاران، ۱۳۹۲؛ شریعتی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ رضایی کلواری و بحرینی، ۱۳۸۹؛ نظری و فسخودی، ۱۳۸۷). بررسی پیشینه‌ی این نوع مطالعات نشان می‌دهد که اغلب مباحث پیرامون مسأله‌ی نزاع شهری، حول محور نزاع‌های جمعی و قومی و آن هم با سلطه‌ی رویکرد کمی می‌چرخند و محققان بیشتر به تبیین جامعه‌شناختی این پدیده‌ها با مسأله‌ی اصلی قومیت و طایفه پرداخته‌اند.

با وجود اهمیت نقش محلات شهری در شکل‌گیری رفتارهای خشن افراد، تحقیقات اندکی در داخل کشور این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند که چگونه بسترهای محله‌ای بر رفتارهای خشن جوانان تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، اغلب تحقیقات نیز با سلطه‌ی روش‌شناسی کمی صورت گرفته است و این نوع تحقیقات در بهترین حالت ممکن یک نظریه را می‌آزمایند. همچنین، با وجود توجه اندک ادبیات کمی به شناخت تأثیر بستر

۱- Bina Ali et al.

۲- Brookman et al

۳- Stewart and Simons

۴- Le France et al

۵- Wikstrom and Svensson

۶- Johnson and et al

۷- Guerra et al

اجتماعی، آنها در ارائه‌ی نحوه‌ی چگونگی تأثیر بستر اجتماعی محلات بر روی نزاع‌های بین‌فردی خیابانی^۱ پسران ناتوان هستند؛ زیرا منطق روش‌شناسی کمی با کاوش عمیق فرآیندها و کنش‌های انسانی ناسازگار است. همچنین صرف آزمون دیدگاه‌ها و نظریه‌های بیگانه که بخش اعظمی از آنها سنخیت کمی با بستر محلات جامعه‌ی ما دارند، نمی‌تواند راهگشای حل مسائل اجتماعی شهری ما باشد و شنیدن صدای کنشگران فعال در مسائل شهری برای فهم پدیده‌های اجتماعی حاضر شهرهای جامعه‌ی ما مفید است. این امر صرفاً با ارائه‌ی یک روش‌شناسی کیفی و مخصوصاً با ارائه‌ی یک نظریه‌ی زمینه‌ای از بستر محلات شهری قابل تحقق است؛ بنابراین هدف از این مقاله، ارائه‌ی یک چارچوب نظری برای کشف بر ساخت‌های شخصی^۲ پسران از نزاع‌های خود در بستر محلات زندگی‌شان می‌باشد. این مطالعه در صدد پاسخگویی به این سؤال است که؛

- فهم پسران درگیر در نزاع‌های خیابانی از رفتارهایشان چگونه ساخته می‌شود؟
- پسران دعوایی محلات خود را چگونه می‌بینند و رفتارهای نزاعی خود را در آن مشروع می‌دانند و آنها را توجیه می‌کنند؟

روش تحقیق

روش‌شناسی تحقیق حاضر از نوع کیفی استقرایی است. یکی از استراتژی‌های مشهور در این روش‌شناسی، نظریه‌ی زمینه‌ای است (دانایی فر و امامی، ۱۳۸۶: ۷۰) که برای اولین بار، گلیزر و استراوس^۳ در سال ۱۹۶۷ در کتاب کشف نظریه‌ی زمینه‌ای، آن را مطرح کردند (گلیزر و استروس، ۱۹۶۹). البته دو نوع اصلی رویکرد در نظریه‌ی زمینه‌ای وجود دارد که عبارتند از: رویکرد عینی‌گرایی^۴ استراوس و کوربین^۵ و رویکرد سازنده‌گرایی^۶ چارمز^۷ (ایمان، ۱۳۹۱:

۱- در این تحقیق، منظور نزاعی است که بین دو پسر در محدوده‌ی عمومی محله‌های شهری رخ می‌دهد.

۲- Personal Construts

۳- Glaser and Strauss

۴- Objectivist

۵- Strauss and Corbin

۶- Constructivist

۷- Charmaz

(۷۵). در این مطالعه از رویکرد عینی‌گرایی استراوس و کوربین استفاده شد. با استفاده از استراتژی نمونه‌گیری هدفمند^۱ و معیار^۲ (کرسول، ۱۳۹۰: ۱۳۳)، این پژوهش با مشارکت پسران ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ای انجام گرفت که در محدوده‌ی قانونی شهرستان شیراز، مرتکب نزاع‌های بین‌فردی و خیابانی شده بودند و اکنون برای اجرای احکام خود در کانون اصلاح و تربیت استان فارس حضور داشتند. داده‌های این تحقیق با مصاحبه با ۱۸ نفر به حد اشباع نظری^۳ رسیدند. هرچند که هر ۱۸ نفر کسانی بودند که بزه نزاع و درگیری را مرتکب شده بودند؛ اما پیامدهای بزه آنها متفاوت بود و شامل سه نوع متفاوت ضرب و جرح عمدی، نقص عضو و قتل شده بود. در ادامه، جدول شماره ۱ مربوط به مشخصات مشارکت‌کنندگان با ذکر اسامی مستعار، تفکیک سن، ساختار خانواده و نوع بزه آنها ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان

نام مستعار	سن ^۴	ساختار خانواده	نوع بزه: نزاع منتهی به	نام محله ^۵
علی	۱۸	عادی	ضرب و جرح	شیشه‌گری، گلکوب، داریون،
داریوش	۱۸	از هم گسیخته- طلاق	ضرب و جرح	فضیلت (۲ نفر)،
محمدحسین	۱۷	از هم گسیخته- طلاق	ضرب و جرح	مهدی‌آباد(کنسبس)،
رضا	۱۷	آشفته	ضرب و جرح	سعدی (۳ نفر)،
بهرام	۱۷	از کار افتادگی پدر	قتل	شاپورجان،
علی اصغر	۱۶	از کار افتادگی والدین	ضرب و جرح	کوشک میدان، ده‌پیاله (۲ نفر)،
علی اکبر	۱۷	عادی	قتل	
محمد	۱۶	از هم گسیخته- طلاق	ضرب و جرح	

۱- Purposive Sampling

۲- Criterion

۳- Theoretical Saturation

۴- گرد کردن سن مداوم با محاسبه‌ی نزدیک‌ترین سالروز تولد.
 ۵- محقق تشخیص داد که اگر نام محله‌ها به ترتیب جلوی اسامی آورده شود، ممکن است افراد شناسایی شوند، به همین دلیل و برای حفظ رازداری و محرمانه بودن اطلاعات و هویت مشارکت‌کنندگان، اسامی محله‌ی مشارکت‌کنندگان بدون هیچگونه ساختاری آورده شده است.

گلشن، قبله،	ضرب و جرح	از هم گسیخته- فوت پدر	۱۷	مازیار	۹
دهک دولت آباد، شهرک	مشارکت در قتل	از کارافتادگی پدر	۱۸	امیر	۱۰
بهار،	ضرب و جرح	از هم گسیخته- طلاق	۱۷	امیرحسین	۱۱
دودج زرقان،	ضرب و جرح	عادی	۱۶	علیرضا	۱۲
	قتل	آشفته	۱۷	سجاد	۱۳
	نقص عضو	از هم گسیخته- طلاق	۱۷	حسین	۱۴
	ضرب و جرح	از هم گسیخته- حبس ابد پدر	۱۷	مسعود	۱۵
	ضرب و جرح	عادی	۱۸	عرفان	۱۶
	نقص عضو	از هم گسیخته- طلاق	۱۷	سعید	۱۷
	ضرب و جرح	از هم گسیخته- فوت پدر	۱۷	جاسم	۱۸

در این پژوهش، تکنیک عمده‌ی مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌ی عمیق است و مکان مصاحبه‌ها، دفتر مشاوره‌ی کانون اصلاح و تربیت استان فارس بود. طول زمان مصاحبه‌ها در بین دامنه‌ی زمانی ۴۵ تا ۱۳۵ دقیقه متغیر بود و در مجموع ۱۴۶۰ دقیقه مصاحبه و میانگین هر مصاحبه برای هر نفر بیش از ۸۱ دقیقه انجام گرفت. جمع‌آوری و تفسیر داده‌ها به طور همزمان و با استفاده از مراحل کدگذاری (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) انجام گردید. فرایند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی، فرایند تحلیل کدگذاری گزینشی بیشتر مطرح گردید (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰؛ فلیک، ۱۳۸۷: ۳۲۹-۳۳۷). در هر سه مرحله‌ی کدگذاری، از نمونه‌گیری نظری^۱ استفاده گردید. نمونه‌گیری نظری تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل گردید. همچنین در این مطالعه، از استراتژی‌های بررسی همکاران^۲، چک‌کردن توسط مشارکت‌کنندگان^۳ و ممیزی خارجی^۴ برای معیار قابلیت اعتماد استفاده شد.

یافته‌های مطالعه

در مرحله‌ی کدگذاری باز، بیش از ۵۰ مفهوم و ۱۳ مقوله‌ی فرعی استخراج شد و در مرحله‌ی کدگذاری محوری از بررسی دقیق‌تر و پیوند بین مفاهیم، ۶ مقوله به دست آمد.

۱- Theoretical Sampling

۲- Peer Review or Debriefing

۳- Member Checking

۴- External Audit

با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله‌ی کدگذاری گزینشی، یک مقوله‌ی هسته به نام «قمپز شدن برای سازگاری با شرایط زندگی در محلات» ظاهر شد. جدول شماره‌ی ۲ نتایج تحلیل داده‌ها را در مراحل سه‌گانه‌ی کدگذاری نشان می‌دهد. در اینجا ابتدا هر ۶ مقوله همراه با نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان مطرح می‌شود. پس از طرح مقولات، مقوله هسته و نهایتاً مدل پارادایمی به تصویر کشیده می‌شود.

جدول شماره ۲- خروجی مراحل سه‌گانه‌ی کدگذاری باز، محوری و گزینشی

مقوله‌ی هسته نهایی	مقوله‌ی اصلی	مقوله‌ی فرعی	مفاهیم
قمپز شدن برای سازگاری با شرایط زندگی در محلات	ساختار اجتماعی نامساعد محله	معضلات جمعیتی	ناهمگونی جمعیتی، بی‌ثباتی جمعیتی، دوقطبی شدن فضای محلات، تراکم بیش از حد جمعیت، مسکن نامطلوب
		عدم کارآیی جمعی	عدم کنترل رسمی، سرمایه فرهنگی اندک، وجود طبقات خطرناک و بیکاری جمعیت جوان. عدم پیوند همسایگی
	همجواری با جرایم و باندهای بزهکارانه	تنوعی از جرایم در محله	جرایم تجربه شده در محلات: قاچاق مواد، خرید و فروش مشروبات الکلی، دزدی، سرقت مسلحانه، قماربازی، حمله با ایراد ضرب و جرح، فحشا، آدم‌ربایی، لواط
		وجود باندهای بزهکارانه در محله	وجود باند جنایی، وجود باند نزاعی
	مواجهه با نزاع‌های متنوع در محلات	نزاع‌های بین فردی در محلات	در معرض نزاع‌های ناموسی، عشقی، قمپزآبانه، مالکیتی، جنایی، مسلحانه، ناچیز و نزاع در حال مستی
		نزاع‌های جمعی در محلات	مواجهه با نزاع قومی، نزاع محلی، نزاع تنفرآمیز و تلافی جوانانه
	ذهنیت دفاعی و خصمانه نسبت به محله	شکل‌گیری عواطف منفی نسبت به محله	ترس از بزه‌دیدگی، پیش‌بینی قربانی شدن، قربانی شدن بیکسان
		زندگی در خصومت	ضرورت آدم داشتن، عدم تعامل با دیگران، عدم روابط همسایگی
	تفلا برای قمپز	خود مراقبتی	عرضه اندام، رجزخوانی، پیشگیری از بزه‌دیدگی،

	شدن		اعمال قدرت، هژمونی در قمپزی
		زیر لوای باند قرار گرفتن	هم پیالگی و خودی شدن با قمپزان، طرح رفاقت، نوچگی
	دستاوردهای قمپزی	کسب سرمایه نمادین	کسب منزلت، بزرگ محله شدن، اقتدار محلی، کسب احترام، شهرت و پذیرش اجتماعی در محله
		ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی	داشتن شبکه‌ی اجتماعی مقتدر، آدم داشتن در محله، مشارکت در باند
	بیمه کردن خود و دگران مهم از قربانی شدن	حمایت در برابر خطرات احتمالی، کاهش بزه‌دیدگی، پیشگیری از بزه‌دیدگی خود، پیشگیری از قربانی شدن دگران مهم	

ساختار اجتماعی نامساعد محله

ساختار اجتماعی محله به مختصاتی اشاره دارد که در آن عامل انسانی، شرایط جمعیتی و اجتماعی (به جای بعد فیزیکی و مادی محلات)، محور تعریف و توصیف از بستر زندگی هستند. ساختار اجتماعی محلات توسط اغلب مشارکت‌کنندگان، نامساعد، ناموزون و نامناسب برای زندگی بدون دردسر درک شده است.

ناهمگونی جمعیتی یکی از مهمترین ویژگی‌های اجتماعی بود که اغلب پسران به محله‌های زندگی خود نسبت دادند و هر ۱۸ مشارکت‌کننده به این مشخصه اشاره کردند. برای نمونه محمد حسین تنوع جمعیتی محله‌ی خود را اینگونه بیان می‌کند: «محله‌ی ما کواری، برده‌ای، خرومه‌ای و بواناتی و فهندژ سعدی داره. اینا همش با هم جر و بحث دارن». بخش عمده‌ای از عامل ناهمگونی و تنوع جمعیتی در شهر شیراز، مدیون بی‌ثباتی جمعیتی و ناپایداری مسکونی محلات آن است. بعضی از مشارکت‌کنندگان، مهاجران نسل دومی بودند که والدین آنها یا از شهرهای دیگر مانند (بوانات، خرامه، اردکان، کازرون) و یا از ساختار عشیره‌ای و قومیتی (کوهمره سرخی، ترک قشقایی، لر) به سمت شهر شیراز مهاجرت کرده بودند. به دلیل خاستگاه طبقاتی پایین این نوع خانوارها، آنها مجبور بوده‌اند که یا در حاشیه‌ی شهر شیراز و یا در محلات پایین شهری به زندگی خود ادامه دهند. این ناپایداری جمعیتی از یک طرف موجب تنوع جمعیتی و از طرف دیگر باعث عدم آشنایی افراد محله و همچنین عدم شکل‌گیری روابط همسایگی می‌شود و

فقط بین ساکنان روابط همجواری حاکم می‌گردد.

دو قطبی شدن فضای محلات، یکی از خطرناک‌ترین دستاوردهای ناهمگونی و بی‌ثباتی جمعیتی است. دو قطبی شدن فضا به این معنی است که بر اثر ناهمگونی جمعیتی، محلات به دو قسمت کاملاً متمایز و البته نمادین تقسیم می‌شوند. واژه‌های دو قطبی شدن فضای محلات در ذهن مشارکت‌کنندگان عبارت بودند از: «کوچه‌ی بالا و پایین، محله‌ی بالا و پایین، بلوار بالا و پایین، جنوب و شمال». یکی از مشارکت‌کنندگان، دو قطبی شدن فضای محله‌ی خود را اینگونه توصیف می‌کند: «کلاً محلمون دو بخش داره: پایین و بالا. محله‌ی بالا ترک هستش و محله‌ی پایین کُشنی هستند. بین بچه‌های بالا (محله‌ی ترک‌ها) و پایین (کُشنی‌ها) معمولاً دعوا میشه». دو قطبی شدن فضا همراه با شکل‌گیری قومیت‌های متمایز در آنها سبب شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های قومی می‌شود. این خرده‌فرهنگ‌ها با پتانسیل یک حافظه‌ی تاریخی نزاع و همچنین تصورات قالبی قومیتی یک نوع درون‌گرایی قومی و قوم‌مداری را در خود پرورش می‌دهند که با کوچکترین جرقه‌ای، آتش یک نزاع بی‌پایان و مستمر روشن می‌گردد.

تراکم بیش از حد جمعیت و مسکن نامطلوب نیز از دید پسران یکی از معضلات ساختار اجتماعی محلات آنهاست. امیر معتقد است: «جامعه و محله‌های پایین شهری چون جمعیت زیاده و اگه اتفاقی بیفته و کاری نکنی بد میشه و خیلی زشته». شلوغی و تراکم جمعیت و فشارهای حاصل از آن این پسران را مجبور می‌کند که نسبت به موقعیت‌های ناخوشایند، استراتژی نزاع را برای جلوگیری از شکل‌گیری عواطف منفی مانند تحقیر و سرشکستگی از خود بروز دهند.

پسران علاوه بر اینکه مشکلات محله‌ی خود را درک می‌کنند، معتقدند که هیچ مرجع و اقتدار رسمی نیز پاسخگوی حل مسائل آنها در محله‌ی زندگی‌شان نیست. رضا، عدم کنترل رسمی را بدین طریق نشان می‌دهد: «تو محلمون کلاً کسی نبود رسیدگی کنه و مأمور نبود». با وجود اینکه در این محلات معضلات بیشتری وجود دارد، پسران معتقدند

۱- در سر تا سر مقاله، محقق زمانی که تشخیص دهد مشارکت‌کنندگان حتی با اسم مستعار نیز احتمال شناخته شدن را دارند، برای حفظ رازداری و عدم شناسایی هویت مشارکت‌کنندگان، نقل قول را به صورت مجهول خواهد آورد.

که هیچ مرجع رسمی نیز وجود ندارد، و این دو عامل بر روی هم باعث شکل‌گیری نزاع‌های شدید می‌شوند. در نگاه مشارکت‌کنندگان، محلات زندگی آنها نه تنها دارای کنترل رسمی مطلوبی نمی‌باشد، بلکه وجود طبقات خطرناک و سرمایه‌ی فرهنگی پایین اعضای محله‌ی آنها نیز باعث جلوگیری از هر گونه کارآیی جمعی محلی و کنترل غیر رسمی می‌شود.

همجواری با جرائم و باندهای بزهکارانه

همجواری دائمی پسران با جرائم متنوع و باندهای بزهکارانه، درک پسران نزاعی را نسبت به محله‌ی خود بسیار مجرمانه شکل داده است. به طور کلی در حافظه و تجربه‌ی مشارکت‌کنندگان، تنوعی از جرائم و همچنین وجود دو باند جنایی و نزاعی کشف گردید.

فهم بعضی از مشارکت‌کنندگان در مورد تعیین نقاط جرم‌خیز و آلوده همانند یک سیستم اطلاعات جغرافیایی عمل می‌کند و آنها محلات خاصی را مخصوص جرائم مشخصی از هم تمییز می‌دهند: «شیشه‌گری معروفه بیشتر به جر و دعوا و کوزه‌گری هم به کاسبی موادش. دروازه کازرون دزدی و پای کلأتا هم با کاسبی مواد». شهرت جنایی محلات و فضاهای قابل تشخیص بی‌دفاع شهری نیز از بیانات پسران مشهود است.

یکی از پدیده‌هایی که تقریباً اکثریت مشارکت‌کنندگان در مورد توافق آن هیچ شکی ندارند، قاچاق مواد مخدر و مخصوصاً مشروبات الکلی است. نکته‌ی تأمل برانگیز این است که آنها به دسترسی آسان و ارزان به مواد در محلات خود بسیار تأکید دارند. امیر با مقایسه‌ی شهر شیراز با شهرهای هم‌تراز خود به ویژگی‌های فراوانی مواد، دسترسی آسان و ارزان به مواد و عرفی بودن مصرف مشروبات الکلی در شهر شیراز اشاره دارد: «تو شیراز از بس که مواد زیاده و عرق می‌خورن، ولی تو مشهد یا اصفهان عرق کم گیر میاد. خونواده‌ها هم زیاد سختگیری نمی‌کنن. تو شیراز تو چهار راه زند وسط شهر، عرق و زوروق و سی‌دی، همه را با هم می‌فروشن و اهلش که باشی میخری. حالا تو کوجه‌ها که دیگه هیچی و همش هست. دسترسی به مواد خیلی راحت و خیلی ارزونه». فحشا نیز از جمله معضلاتی است که بعضی از مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند.

علاوه بر تعیین جرائم محلات، مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که در محله‌ی خود

باندهای بزهکارانه‌ی متنوعی وجود دارد. یکی از باندهای بزهکارانه، باند جنایی می‌باشد که اعضای این باندها به طور سازماندهی شده در فعالیت‌های جنایی مشارکت دارند. باند دیگری که مشارکت‌کنندگان درباره‌ی آن به صراحت صحبت کردند، باند نزاعی است. اغلب مشارکت‌کنندگان تعامل بیشتری با این باند نسبت به باند جنایی داشتند. دلیل این امر این است که این پسران به طور مکرر در نزاع‌های متنوعی شرکت کرده‌اند و با توجه به سرمایه‌ی اجتماعی کسب شده یا برای خود دار و دسته‌ای دارند، یا اینکه با این باندها تعامل بیشتری دارند. علی یک باند نزاعی را در محله‌ی خود معرفی می‌کند: «تو محلمون دوتا آدم معروف هستن. اونا واسه خودشون یک باند بودن و داخل محله‌ی خودشون دعوا نمی‌کردن و میرفتن داخل محله دروازه سعدی، دعوا می‌کردن. اونا خیلی تعصب محله و بچه محله می‌کشیدن. اونا نوچه داشتن و همه کاری می‌کردن یعنی هر کاری دوست داشتن می‌کردن». عضویت در این باندها برای هر پسری مهیا نیست، زیرا در این باندها، داشتن وضعیت فیزیکی مناسب برای دعوا و جرأت‌پذیری و ماجراجویی از جمله شرایط عضویت در این باندهاست.

مواجهه با نزاع‌های متنوع

این مقوله اشاره به این قضیه دارد که پسران در محله‌های خود در معرض نزاع‌های متنوع هستند. آنها ضمن تمییز انواع نزاع یادآور می‌شوند که یا خودشان در این نزاع‌ها به صورت فعال به عنوان نقش‌های قربانی و ضارب حضور داشته‌اند، یا اینکه این نوع نزاع‌ها را از نزدیک مشاهده نموده‌اند. جاسم، وقوع و شیوع نزاع در محله‌ی خود را بسیار فراوان می‌داند: «تو محلمون دعوا خیلی میشه و دعواها سر همه چی هست. سر ناموس دعوا میشه، سر قلدری و این حرفا و نگاه چپ چپ کردن و کل کل کردن». دلایل دعوا در ذهن جاسم، ما را بر آن داشت که یک تیپولوژی از انواع نزاع‌های رخ داده در محلات را در مصاحبه‌ها از یکدیگر تمییز دهیم. دامنه‌ی میزان اهمیت و جدیت یک نزاع، بازتولید یا ختم به خیر شدن یک نزاع و همچنین تعداد نفرات حاضر در یک نزاع از جمله معیارهای تمایز نزاع‌ها از دیدگاه پسران بود.

نزاع‌های جمعی یکی از بارزترین نزاع‌هایی است که در تجربه‌ی زیسته‌ی اغلب مشارکت‌کنندگان وجود داشت. برای نمونه رضا می‌گوید: «تو محله جمعی دعوا می‌کنن

و کلویی هستن». اما از دیدگاه پسران نزاع‌های جمعی نیز انواع متفاوتی دارند: نزاع‌های قومی، نزاع‌های محلی و نزاع‌های تنفرآمیز یا تلافی‌جویانه.

مشارکت‌کنندگان، نزاع‌های قومی را به دلیل ساختار جمعیتی ناهمگون محلات خود بسیار تجربه کرده‌اند. ویژگی اصلی این نوع نزاع، تضاد میان دو قومیت کاملاً متفاوت در یک مکان واحد است که دلایل آن می‌تواند از یک بستر تاریخی، یا تصورات قالبی و یا حتی تضادهای سطح خرد نشأت گرفته باشد. سجاد این نزاع قومی را اینگونه معرفی می‌کند: «بعضی وقتا سر دوتا بچه کوچیک دعوا میشه بین لرها و ترک‌ها، ولی همه میان پشت هم و جر بالا میگیره و معلوم نیس چندتا آدم کشته میشه». در این نوع دعواها، شناسایی افراد به عنوان نماینده و نمونه‌ی معرف از یک قوم، مجوز کافی برای قربانی شدن وی از سوی قوم دیگر است و دیگر بحث قصور و سهم فرد در شکل‌گیری دعوا، محلی از اعراب ندارد. نزاع محلی نوعی دیگری از یک نزاع جمعی است و تفاوت بارز آن با نزاع قومی این است که در اینجا دو طرف دعوا از یک قوم هستند و فقط به دلیل مرزبندی فیزیکی نمادین محلی بین گروه‌های مختلف دعوا شکل می‌گیرد. دو قطبی شدن فضای محلات و مرزبندی نمادین محلاتی باعث شده است که پسران، دارای یک ذهنیت مرزبندی بین عناصر خودی و بیگانه شوند و وجود عنصر بیگانه در مرز نمادین خودی را به مثابه‌ی یک خطر بزرگ درک کنند. نزاع‌های تنفرآمیز یا تلافی‌جویانه نیز می‌تواند جزء نزاع‌های جمعی قرار بگیرد، با این تفاوت که شروع این نزاع‌ها می‌تواند یک حادثه‌ی فردی باشد، ولی بعد از آن ماجرا بین دو گروه به دلیل شکل‌گیری تنفر و تلافی‌جویی دائماً درگیری وجود دارد.

علاوه بر نزاع‌های جمعی، مشارکت‌کنندگان به انواع نزاع‌های بین‌فردی نیز در محلات خود اشاره دارند: نزاع‌های ناموسی، نزاع‌های عشقی، نزاع قمپز مآبانه، نزاع‌های مالکیتی نزاع جنایی نزاع مسلحانه، نزاع ناچیز (نزاع به دلیل نگاه خیره طرفین)، نزاع بخاطر مستی^۱.

از دیدگاه پسران، یکی از حساس‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین مسائلی که سبب شکل‌گیری

۱- در این مقاله، صرفاً نزاع ناموسی به دلیل اهمیت به طور مفصل توضیح داده می‌شود و از توضیح سایر نزاع‌های بین‌فردی به علت محدودیت تعداد صفحات مقاله خودداری می‌گردد.

نزاع بین فردی در محلات می‌شود، مسائل ناموسی است. در این راستا علی نزع ناموسی را توضیح می‌دهد: «تو محلمون، بیشتر به خاطر مسائل ناموسی دعوا میشه. مثلاً خواهر یک نفر داره تو کوچه رد میشه و بچه‌ها بهش متلک میگن و بعد خبر به گوش داداشش میرسه، که فلان کس به خواهرت متلک گفت و به همین خاطر دعوا میشه». با توجه به فرهنگ ناموس‌پرستی که در جامعه‌ی ما وجود دارد، پسران نزاعی به هیچ وجه با این مسأله کنار نمی‌آیند و تنها راه مقابله با مسائل ناموسی را نزاع‌های شدید برای ادب کردن قربانی می‌دانند. نزاع‌های ناموسی ریشه‌ی عمیقی در ذهن پسران دارد و آنها این نوع نزاع را نه تنها به عنوان یک مسأله نمی‌نگرند، بلکه آن را به مثابه‌ی یک امر ضروری و با ارزش می‌دانند. با توجه به اینکه در این نوع محلات، به دلیل نابسامانی و زوال اخلاقی، مسائل ناموسی بیشتر از مکان‌های دیگر رخ می‌دهد، تقریباً تمامی مشارکت‌کنندگان حداقل یکبار به خاطر چنین مسأله‌ای نزاع کرده بودند. نکته‌ی طنز این نوع نزاع این است که پسران فرهنگ ناموس‌پرستی را به عنوان یک ارزش قوی جامعه، در خود درونی کرده‌اند؛ اما زمانی که از این ارزش دفاع می‌کنند، مجازات می‌شوند. به نظر می‌رسد، پسرانی که هم اکنون در کانون اصلاح و تربیت، مجازات نزاع‌های ناموسی را تحمل می‌کنند، قربانیانِ بهنجار یک محلاتِ نابهنجارند، که شکاف عظیمی میان عرف و قانون آن وجود دارد.

ذهنیت دفاعی و خصمانه نسبت به محله

همان‌گونه که ملاحظه گردید، پسران در محلات نامساعد خود، انواع و اقسام جرائم را مشاهده و تجربه کرده‌اند. همچنین در حافظه‌ی آنها تنوعی از نزاع‌های اتفاق افتاده در محله‌هایشان وجود دارد. این تجربه، درک و یا حتی تصور و توهم پسران نسبت به وضعیت حاکم محله‌های زندگی خود و پیوند حوادث گذشته و آتی احتمالی، به مرور زمان آنها را دارای یک نگرش و ذهنیت دفاعی و خصمانه نسبت به محله‌ی خود می‌کند. در این وضعیت آنها حساسیت زیادی نسبت به شکل‌گیری عواطف منفی همانند ترس، خصومت و ناتوانی دارند و مجبورند با توجه به این عواطف منفی از خود واکنش نشان دهند. داریوش در مورد وضعیت محله‌ی خود چنین تفکری دارد: «تو این محله باید یه نفر را داشته باشی که کسی کاری باهات نداشته باشه. اگه یه بچه کسی را نداشته باشه که

هیچی و هر کی برسه، زور می‌گه بهش و یا حرکتی روش میزنه و ظلم بهش زیاد میشه. به این خاطر اون بچه مجبوره همراه یکی بگرده، تا کسی کاری بهش نداشته باشه و زورش نگه». ضرورت آدم داشتن، قربانی شدن بی‌کسان و توفیق اجباری برای همنشینی با دگران خشن، همگی نشانگر ترس از بزه‌دیدگی و پیش‌بینی قربانی شدن است.

رضا وضعیت و جو محله‌ی خود را برای زندگی نوجوانان بسیار نامساعد می‌داند: «تو محلمون بچه باید قلدر و زرنگ باشه و اگه نباشه هر کاری بخان باهش میکنن. مثلاً آدم‌ربایی میشه و لواط با بچه‌های کوچیک انجام میدن و بعد ولشون میکنن. مثلاً خونواده‌هایی که بدبخت باشن و بچه کوچیک داشته باشن، اونا را میبرن». ذهنیت خصمانه و دفاعی پسران نسبت به محله با مشاهده‌ی حوادث روزمره‌ی زندگی آنها شکل می‌گیرد و آنها معتقدند که اگر پسری در این محلات کسی را نداشته باشد (دگرمراقبتی) و خودش هم ضرورتاً زرنگ و قلدر نباشد (خودمراقبتی)، دائماً در معرض قربانی شدن و تو سری خور بودن خواهد بود. بنابراین، زندگی در خصومت و دشمنی اولین فهم پسران از محلات زندگی خود می‌باشد.

تقلا برای قمپز شدن

در بستر شهر شیراز، قمپز به افرادی خطاب می‌شود که دارای یک هویت خشن و قلدر هستند. مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر، همگی تلاش می‌کردند که خودشان به عنوان یک قمپز در بستر محل زندگی‌شان مطرح شوند، تا بدین طریق بتوانند با هرگونه تهدید و ترس از بزه‌دیدگی مقابله کنند. پسران برای کسب هویت قمپزی به دو طریق عمل می‌کنند یا آنها به طور کاملاً فردگرایانه تلاش می‌کنند خود را در محلات نشان دهند یا از طریق پیوستن به باندهای نزاعی، تحت لوای افراد قمپز دیگر قرار بگیرند.

سجاد توان دفاع کردن از خود و خودمراقبتی را در قالب عرضه اندام خود به عنوان یک استراتژی مطرح می‌کند: «تو این محله باید خودتا نشون بدی که برای خودت کسی هستی و میتونی از خودت دفاع کنی و نداری یه کسی چیزتا بکشه بالا و گردن کلفتی کنه». کسب هویت قمپزی نه تنها برای پیشگیری از بزه‌دیدگی مکانیسم مناسبی است، بلکه برای اعمال قدرت بر دیگران برای انجام خواسته‌های خود نیز سازوکاری مطلوب به نظر می‌رسد. بنابراین کارکردهای هویت قمپزی هم می‌تواند پیشگیری‌کننده از

وضعیت خطر و هم توانا کننده برای دسترسی به وضعیت مطلوب باشد. احساس هم‌پیلگی و خودی شدن پسران با رفتارهای هم‌تایان خود در محله نیز استراتژی دیگری است که پسران به آن اشاره داشتند. داریوش می‌گوید: «تو محله باید جزو خودشون باشی تا کسی باهات کار نداشته باشه». زمانیکه پسران قصد دارند با گروه‌ها و باندهای در دسترس، خودی شوند و یا طرح رفاقت بریزند، آنها تحت لوای این باندها قرار می‌گیرند. علی‌اکبر از استراتژی نوچگی برای این باندها سخن می‌گوید: «تو محله یه آدم هست که خیلی آدم جرکن و ادعا کاریه. مثلاً بچه‌های کوچیک که هیچکی محلشون نمیداره، دوست دارن بیان با اینا بگردن و نوچشون بشن و بگن بزرگ شدن و احترامشون بذارن و بچه‌های کوچیک دیگه ازشون حساب ببرن». تمایل نوجوانان به پیوستن این گروه‌ها برای کسب هویت قمپزی است که آنها به دلیل اینکه خودشان به تنهایی نمی‌توانند آن را کسب کنند، در تلاش هستند که به عنوان یک نوچه در این باندها فعالیت کنند.

دستاوردهای قمپزی

همانگونه که مشاهده کردیم، پسران نزاعی در تلاش برای کسب هویت قمپزی بودند و با توجه به سنین جوانی اولیه آنها، هنوز برای رسیدن به درجه‌ی کامل قمپزی راه دور و درازی در پیش داشتند. به همین دلیل آنها برای دستاوردهای مطلوب این هویت، دائماً از پایگاه قمپزان معروف محله‌ی خود یاد می‌کردند و استدلال می‌کردند که آنها نیز دوست دارند، چنین پایگاهی را در محله‌ی خود به دست آورند. سجاد از دستاوردهای قمپز محله‌ی خود می‌گوید: «یه آدمی بود که قبلاً خیلی جر میکرد، ولی کلا خوب شده، ولی با اینکه دیگه جر و دعوا نمیکنه الانم همه ازش حرف‌شنوی دارن و الان بزرگ محلمونه». سجاد پیامدهای قمپزی را بزرگ محله‌شدن و اقتدار محلی شخص قمپز برآورد می‌کند؛ بنابراین، پسران در این محلات با برجستگی هویت قمپزی درصددند که بزرگ محله شوند. به عبارت دیگر، پسران با گذراندن چنین فرآیندی می‌توانند به مردانی بزرگ در محله تبدیل شوند.

کسب احترام، شهرت و پذیرش اجتماعی از جمله دستاوردهای دیگر قمپزی است؛ برای نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان حتی بعد از مرگ قمپز محله‌ی خود این چنین می‌گوید:

«مثلاً فلانی که الان مرده، همه می‌گن بچه‌ی خوبی بود و همه شیراز میشناختنش، حتی تو شهرهای دیگه هم اونا میشناختن. روزی که گشتنش، همه اومده بودن واسه تشییع جنازش. هنوزم ازش می‌ترسن. اون یه دختر داره و هیچکی الان کار به دخترش نداره، چون باباش جرکار بوده و هیچکی نگاه بد به دخترش نمیکنه. الان خیلی از بچه‌ها تو دستاشون اسم اونا خالکوبی می‌کنن». این مشارکت‌کننده، منافع این پایگاه را فقط مخصوص خود فرد نمی‌داند، بلکه معتقد است که حتی بعد از مرگ وی، دگران مهم او نیز در امان خواهند بود.

کسب شهرت و احترام مهمترین دستاورد نمادین قمپزی از نگاه پسران است. مازیار از تمایل به قمپزشدنش برای رسیدن به این اهداف با ذکر مثالی از یک قمپز محله‌اش می‌گوید: «اون همین کارها را کرده و خیلیا را زده و دو سه تا زخم تو صورتشه که خیلی معروفه. بچه‌های کوچکت‌تر یا یکی مثل من دوست داریم مثل اونا باشیم، دل و جیگردار باشیم و اسمی باشیم و هر جایی جلوم پاشن و بقیه دستشون رو سینه باشه». علاوه بر شهرت و احترام در محله، حمایت پسران در مقابل خطرات و تهدیدات احتمالی نیز با پیوستن به افراد خشن تأمین می‌شود. همچنین، کسب سرمایه‌ی اجتماعی و آدم داشتن در محله یک عنصر لاینفک برای زندگی در این محلات است. رضا، ضرورت این نوع سرمایه‌ی اجتماعی را مطرح می‌کند: «تو محله یه نفر هست که آدم داره که واسش جر کنن. جوونا دوس دارن برن پیش اون و آدم داشته باشن و سگشون باشه و اگه جر کنن، اون هواشونا داشته باشه».

مقوله‌ی هسته: قمپزشدن برای سازگاری با شرایط زندگی در محلات

با ترکیب ۶ مقوله‌ی اصلی تحقیق، مقوله‌ی هسته‌ی نهایی در مرحله‌ی کدگذاری گزینشی ظهور کرد. با توجه به مقولات عمده و توضیحات فوق می‌توان گفت که مقوله‌ی؛ **قمپزشدن برای سازگاری با شرایط زندگی در محلات**، می‌تواند کلیه مباحث پسران نزاعی را تحت پوشش قرار دهد و نیز جنبه‌ی تحلیلی داشته باشد. بر اساس مقوله‌ی هسته‌ی نهایی، پسران در تجربه‌ی زیسته خود اوضاع و شرایط زندگی در محلاتشان را تجربه، درک و یا تصور می‌کنند. آنها در محلاتی زندگی می‌کنند که دارای ساختار اجتماعی نامساعدی برای یک زندگی مطلوب و بدون دغدغه است. پسران جوان در

زندگی روزمره‌ی خود با جرائم متنوع و باندهای بزهکارانه هم‌جوار هستند. همچنین در حافظه‌ی آنها تنوعی از مسائلی وجود دارد که می‌تواند سبب شکل‌گیری نزاع در محله شود و آنها دائماً با این مسائل مواجه هستند. هم‌جواری با جرائم و مواجهه با نزاع‌های متنوع، موجب شکل‌گیری یک ذهنیت دفاعی و خصمانه نسبت به شرایط زیست محله‌ی آنها شده است. اوضاع و شرایط محله‌ی پسران به نحوی درک شده است که آنها نه تنها دائماً ترس از بزه‌دیدگی را احساس می‌کنند، بلکه هر لحظه پیش‌بینی قربانی شدن خود را در سر دارند. این تجربه‌ی زیسته بی‌اعتمادی نسبت به شرایط محله و پیامد آن شکل‌گیری ذهنیت خصمانه، به مرور زمان پسران نزاعی را دارای یک طرح‌واره‌ی اجتماعی و عادت‌واره می‌کند. پسران با این طرح‌واره، رفتارهای خشن و نزاع‌های بین‌فردی را برای سازگاری و بقا در محله‌های خود مجاز می‌دانند و به این طریق آنها را توجیه می‌کنند. آنها به شدت درصدد کسب هویت قمپزی هستند و این نشان را یا با تلاش‌های فردی (نزاع‌های مکرر) و یا در زیر چتر قمپزان دیگر به دست می‌آورند. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، دستاورد این هویت قمپزی شرایطی را فراهم می‌کند که پسران و دگران مهم آنها با آرامش بهتری بتوانند در اوضاع نامساعد محله‌ی خود به زندگی ادامه دهند. فهم پسران اینگونه است که اگر آنها درصدد هویت قمپزی نباشند، دائماً در معرض بزه‌دیدگی قرار خواهند گرفت و به اصطلاح توسری‌خور خواهند بود؛ بنابراین، مقوله‌ی قمپزشدن برای سازگاری با شرایط زندگی در محله، به خوبی می‌تواند نشانگر برساخت فهم پسران از نزاع‌های بین‌فردی خود در بستر محلات زندگی آنها باشد، زیرا نزاع از دیدگاه آنها به مثابه‌ی یک استراتژی برای سازگاری با اوضاع و شرایط زندگی در محلات پرخطر درک می‌شود.

ترسیم مدل پارادایمی

همانگونه در شکل شماره‌ی ۱ مشاهده می‌کنید، این مدل دارای بخش‌های شرایط علی، پدیده، بستر، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای کنش/کنش متقابل و پیامد می‌باشد. در این مدل شرایط علی عبارتند از: هم‌جواری با جرائم و باندهای بزهکارانه و مواجهه با نزاع‌های متنوع در محله. مشارکت‌کنندگان تحقیق که در مراحل نوجوانی و جوانی اولیه قرار داشتند، در فرآیند رشد خود دائماً تحت تأثیر انواع جرائم به طور عام و نزاع‌ها به

طور خاص قرار می‌گیرند. مواجهه و در معرض چنین معضلاتی بودن باعث شده است که حافظه‌ی این پسران نسبت به محله‌های خود در وضعیت مطلوبی شکل نگیرد و بدین طریق پدیده‌ی مدل شکل بگیرد. ذهنیت دفاعی و خصمانه نسبت به محله نشان می‌دهد که آنها دائماً روابط و تعاملات اجتماعی در محله‌ی خود را بد می‌بینند و نسبت به محلات خود در یک وضعیت دفاعی و خصمانه قرار می‌گیرند.

البته در شکل‌گیری این پدیده، صرفاً شرایط علی تأثیرگذار نیستند؛ زیرا با ملاحظه‌ی ساختار اجتماعی نامساعد محلات آنها، این نوع نگرش تا حدودی طبیعی به نظر می‌رسد. همچنین بستر مقتضیات سنی در شکل‌گیری این نوع ذهنیت بسیار تعیین‌کننده است. مشارکت‌کنندگان این تحقیق را پسرانی تشکیل می‌دهند که در شرایط فوق‌العاده حساسی به لحاظ عاطفی قرار دارند. بستر تعیین‌کننده‌ی دیگر، ساختار خانواده‌ای بود که این پسران در آنها پرورش یافته بودند. همانگونه که در جدول شماره یک مشاهده می‌کنیم، از ۱۸ شرکت‌کننده‌ی تحقیق، فقط ۴ پسر در خانواده‌ی کامل و عادی زندگی می‌کنند و ۱۴ مشارکت‌کننده‌ی تحقیق در ساختار خانواده‌ی معیوب بزرگ شده‌اند. این خانواده‌ها به دلیل ساختار معیوب، نه تنها نمی‌توانستند از پسران وابسته خود برای حل مسائل زندگی در محلات حمایتی بکنند، بلکه مسأله آفرین نیز می‌شدند. خاستگاه طبقاتی پایین نیز، بستر اکثریت مشارکت‌کنندگان تحقیق را تشکیل می‌داد. به دلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین، خانواده‌ آنها مجبورند که در اوضاع و شرایط نامساعد محلات خود به زندگی ادامه دهند. همچنین سرمایه‌ی فرهنگی خانوادگی اکثریت مشارکت‌کنندگان تحقیق نیز در وضعیت بسیار پایینی قرار داشت و این سطح پایین سرمایه‌ی فرهنگی در فرآیند اجتماعی شدن، به مرور منجر به فقر فرهنگی و پذیرش و مشروعیت‌بخشی به ابزارهای خشن برای کسب اهداف فردی شده است.

البته در انتخاب استراتژی و شدت پدیده، شرایط مداخله‌گر نیز بسیار مهم هستند. ویژگی‌های متفاوت شخصیتی پسران تحقیق حاضر، از جمله شرایط مداخله‌گر مهمی بود که هم بر شدت شکل‌گیری پدیده تأثیرگذار بود و هم بر نوع استراتژی که مشارکت‌کنندگان انتخاب می‌کردند، قالب دهنده بود. برای نمونه، بعضی از مشارکت‌کنندگان تحقیق، دارای روحيات عصبی، هیجانی و منفی‌نگری بیش از حد و در

نتیجه خودکنترلی پایین‌تری نسبت به دیگران بودند، و به همین دلیل ذهنیت خصمانه‌ی بیشتری نسبت به محله‌شان داشتند. همچنین از جمله ویژگی‌های شخصیتی تأثیرگذار و تعیین‌کننده بر انتخاب نوع استراتژی، مغرور بودن بعضی از پسران نسبت به بقیه بود. آنهایی که مغرورتر بودند، قدرت فردی و خوداتکایی‌شان برای حل مسائل فردی و خانوادگی خود را بیش از حد فرض می‌کردند.

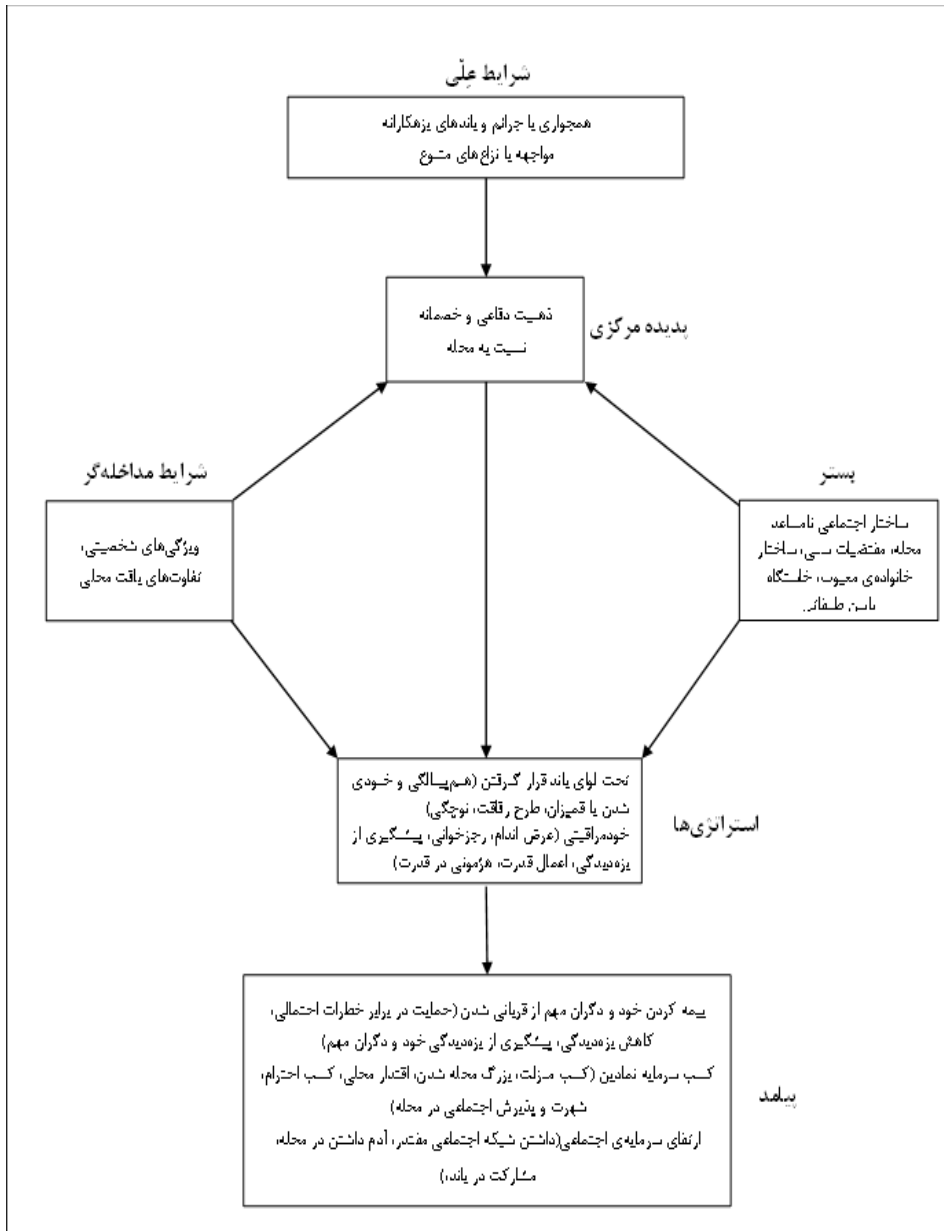
از جمله شرایط مداخله‌گر دیگر نیز بافت محلی متفاوتی بود که پسران در آنها زندگی می‌کردند. با نگاه اجمالی به محلات ذکر شده در جدول شماره ۱ می‌توانیم درک کنیم که این محلات در شیراز در دو ساختار متفاوت قرار دارند. محلات ذکر شده توسط پسران یا محلات پایین‌شهری و قدیمی شهر شیراز (برای نمونه محلات سعدی، شیشه‌گری، کوزه‌گری، گلکوب) بودند یا آنها در محلات حاشیه‌نشین و حومه‌ی شهر شیراز (زرقون، داریون، شاپورجان) زندگی می‌کردند. این تفاوت بافت محلی هم در شکل‌گیری نوع پدیده و هم در نوع راهبرد بسیار تعیین‌کننده است.

مشارکت‌کنندگان با توجه به شکل‌گیری پدیده، بستر و شرایط مداخله‌گر، نوع استراتژی را انتخاب می‌کردند. پسران نزاعی، دو نوع استراتژی را برای حل مسائل غامض خود پیش رو داشتند. آنها در ابتدا ترجیح می‌دادند به صورت فردی و با استراتژی‌های خودمراقبتی همچون عرض اندام در محله، رجزخوانی، پیشگیری از بزه‌دیدگی خود را تثبیت نمایند. به همین منظور آنها نه تنها به شدت به دنبال کسب هویت قمپزی در محله‌ها بودند، بلکه درصدد هژمونی در سلسله‌مراتب قمپزی در محله‌ی خود بودند، تا با ارتکاب نزاع‌های بیشتر خود را در صدر قمپزان محله‌ی خود به نمایش بگذارند. این هویت هم برای پیشگیری و حل مسائل آنها کمک‌کننده بود و هم می‌توانست آنها را برای اعمال قدرت و اقتدار محلی‌شان توانمند کند. اما به هر حال دسته‌ای دیگر از پسران ترجیح می‌دادند که بیشتر تحت لوای باند نزاعی خود، مسائلشان را حل نمایند.

در مجموع، هر فعل یا عدم انجام عمل یا تعامل معینی از سوی افراد در پاسخ به مسأله‌ای که از طرف افراد انتخاب می‌شود، دارای پیامدهایی است. تقلا برای کسب هویت قمپزی در محلات، دستاوردهایی برای پسران یا در زمان فعلی یا در آینده خواهد داشت. مهمترین دستاور راهبردهای این پسران، بیمه کردن خود و دگران مهمشان از بزه‌دیدگی

از آسیب‌های احتمالی در محلات نابسامانی است که در آن به دلیل محدودیت‌های ساختاری مجبورند به زندگی ادامه دهند.

چه آنهایی که به طریق فردی و چه آنهایی که به طریق جمعی در صدد هویت‌کمپزی بودند، در اطراف خود شبکه‌ی اجتماعی از افرادی جمع کرده بودند، که همانند خود دعوایی بودند. در نتیجه، ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی و داشتن آدم در محلات می‌تواند به خودی خودی، راهبرد پیشگیرانه برای حل مسائل باشد. اما پیامد با معنای کسب سرمایه‌ی نمادین بسیار تعیین‌کننده‌تر بود؛ زیرا از دیدگاه پسران، نزاع‌های مکرر و پیامد آن هویت‌کمپزی در محلات، عامل اصلی پذیرش اجتماعی، کسب احترام و شهرت در محله‌های زندگی آنها می‌باشد. به نظر می‌رسد به دلیل اینکه فرصت‌های مشروع و جامعه‌پسند برای کسب سرمایه‌ی نمادین در این محلات به دلیل محدودیت‌های ساختاری در دسترس این پسران نیست، کسب منزلت و پرستیژ در این محلات صرفاً از طرق فرصت‌های نامشروع فراهم است.



شکل شماره ۱- ترسیم مدل پارادیمی دعوایی شدن

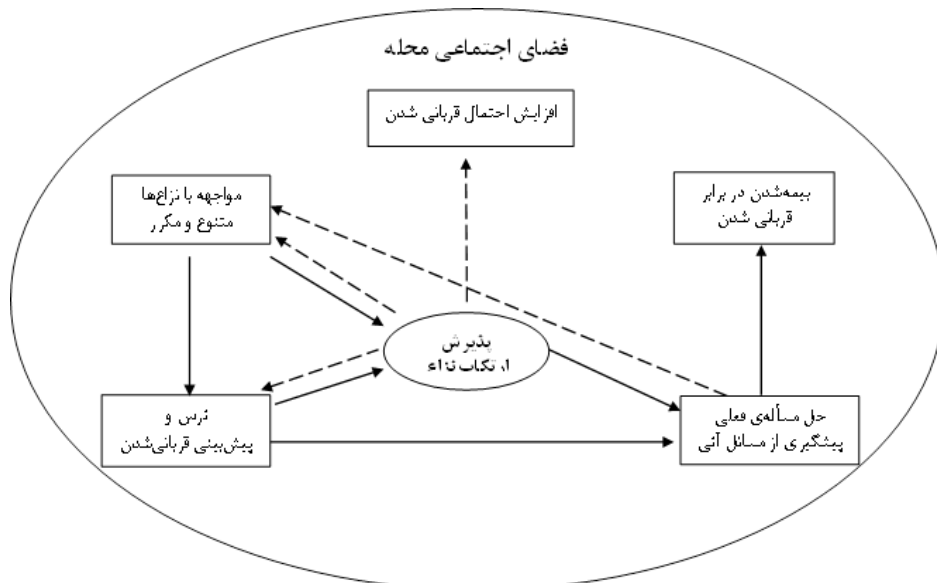
بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، به دنبال یک چارچوب نظری از برساخت فهم پسران از نزاع‌های خود در بستر محلات شهر شیراز بودیم. پیش‌فرض این مطالعه این بود که پسران، نزاع‌های بین‌فردی خود را به عنوان یک راهبرد هدفمند و کنش با معنای اجتماعی می‌بینند. به همین دلیل به دنبال کشف این برساخت بودیم که این فهم پسران از رفتارهایشان چگونه در بستر محلات زندگی خود ساخته می‌شود؛ آنها محلات خود را چگونه می‌بینند که این رفتارها را به عنوان یک واکنش اجتناب‌ناپذیر مشروع می‌دانند و آنها را توجیه می‌کنند؟

شکل شماره ۲، یک چارچوب نظری از برساخت‌های شخصی پسران از نزاع‌های خود در بستر محلات شهر شیراز را ارائه می‌دهد. پسران در فضای اجتماعی محلات خود، به طور مکرر در معرض نزاع‌های متنوع قرار می‌گیرند. این واقعیت از یک طرف باعث حساسیت‌زدایی نسبت به پدیده‌ی نزاع می‌شود؛ از طرف دیگر از آنجایی که پسران این پدیده را دائماً مشاهده و تجربه می‌کنند، آنها یاد می‌گیرند که کاربرد این راهبرد برای بقای زندگی در محلات خود امر ضروری است. بنابراین، آنها زمانی که می‌بینند بقیه‌ی اعضای محل از ارتکاب نزاع به عنوان یک ابزار حل مسأله استفاده می‌کنند و موفق می‌شوند، این روش را مشروع می‌دانند. پیامد این امر باعث مشروعیت بخشی به کاربرد نزاع و در وسعت بیشتر باعث هنجاری و عادی شدن این پدیده می‌شود. همچنین با مشاهده نزاع‌های متنوع، این قضیه در ذهن پسران خطور می‌کند که آنها نیز ممکن است قربانی نزاع شوند. در نتیجه، ترس از بزه‌دیدگی و همچنین پیش‌بینی قربانی شدن، آنها را به فکر چاره‌ای اساسی می‌اندازد. پذیرش ارتکاب نزاع، مطلوب‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین راهبرد برای حل مسائل شخصی و خانوادگی، در دسترس پسران در محلات پایین شهری است. آنها با ارائه و نمایش یک نزاع شکوهمند و فتح آن، نه تنها مشکل حاضر خود را حل می‌نمایند، بلکه با کسب یک هویت قمپزی، از خطرات احتمالی آتی نیز پیشگیری می‌کنند؛ بنابراین از نظر پسران، کسب هویت قمپزی در این محلات برای ادامه حیات ضروری است که به کاهش آسیب و در نهایت بیمه شدن خود و دگران مهم آنها در برابر انواع قربانی شدن منجر می‌شود.

خطوط ممتد مشاهده شده در شکل ۲، فقط برساخت‌های شخصی پسران از نزاع‌های

خود برای کاهش آسیب در محلاتشان می‌باشد؛ اما همانگونه که در تصویر می‌بینید، در هر مرحله پیکان‌های برگشتی با خطوط نقطه‌چین نیز وجود دارد. این پیکان‌ها نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که فهم پسران همیشه نیز به همین منوال در واقعیت رخ نمی‌دهد و آنها با کاربرد راهبرد نزاع در چرخه‌ای از خشونت می‌افتند که ممکن است در نهایت نه تنها باعث کاهش بزه‌دیدگی شود، بلکه منجر به افزایش قربانی شدن نیز شود. پذیرش یک نزاع از سوی پسران آنها را در معرض نزاع‌های متعددی قرار می‌دهد و از آنجایی که معمولاً یک نزاع با نزاعی دیگر بازتولید می‌شود، بعد از ارتکاب اولین نزاع، پسران دائماً انتظار دارند که قربانی‌شان از آنها انتقام بگیرد. بنابراین، پذیرش ارتکاب نزاع اول، آنها را در چرخه‌ای از خشونت ابدی می‌اندازد که نه تنها هیچ مسأله‌ای را حل نکرده، بلکه باعث افزایش دغدغه‌های پسران و در نهایت منجر به افزایش بزه‌دیدگی می‌شود. آنچه که اظهارات محقق را در مورد این واقعیت تصدیق می‌کند، زخم‌های متنوع و فراوانی است که در تمام نقاط بدن این پسران به دلیل نزاع‌های بین فردی با هم‌نوعان خود، قابل مشاهده است. هر چند که وجود چنین زخم‌هایی نیز در بدن پسران برای کسب هویت قمپیزی به مثابه‌ی یک شرط کافی قابل اغماض نیست.



شکل شماره ۲- بر ساخت شخصی پسران از نزاع خود در بستر محلات

منابع:

- استراوس، انسلم و جولیت کوربین. (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای، ترجمه‌ی ابراهیم افشارف تهران: نشر نی.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسین زاده، علی حسین. (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته جمعی»، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال ۱۳، شماره‌ی دوم. صص ۱۹۱-۲۲۵.
- دانایی‌فر، حسن و مجتبی امامی. (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد»، اندیشه‌ی مدیریت، سال اول، شماره‌ی دوم، صص ۶۹-۹۷.
- دیکنز، پیتر. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی شهری؛ جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی، ترجمه‌ی حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی شرکت به نشر.
- رضایی کلواری، نوراله و مجید بحرینی. (۱۳۸۹). مطالعه‌ی رابطه‌ی عوامل فرهنگی - اجتماعی با نزاع‌های دسته جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره‌ی ۲۲، صص: ۱۶۲-۱۳۷.
- رهنمایی، محمد تقی، فرهودی، رحمت‌الله، قالیباف، محمدباقر و حلیمه خاتون هادی‌پور. (۱۳۸۶). سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران، نشریه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره‌ی جدید، سال پنجم، شماره ۱۲ و ۱۳، صص: ۱۹-۴۳.
- زینت‌مطلق، فاضل، احمدی جویباری، تورج، جلیلیان، فرزاد، میرزایی علویجه، مهدی، آقای، عباس و کامبیز کریم‌زاده شیرازی. (۱۳۹۲). بررسی شیوع و عوامل مرتبط با پرخاشگری در بین نوجوانان شهر یاسوج، مجله تحقیقات نظام سلامت، سال ۹، شماره‌ی ۳، صص: ۳۱۹-۳۱۲.
- شریعتی، مسعود، مهاجری، محمد کاظم و ابوالفضل ملک‌ی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده، فصلنامه‌ی پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی دوم، صص: ۱۱۸-۹۵.
- شمس، مجید، پرهیز، فریاد، مهدنژاد، حافظ، قمری، مصطفی و کاوه محمدی. (۱۳۹۱).

- تحلیل رابطه‌ی جرم و تراکم جمعیت در بلوک‌های آماری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (مطالعه‌ی موردی منطقه اسکان غیر رسمی اسلام‌آباد زنجان)، مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره‌ی هشتم، صص: ۳۸-۱۹.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
 - کرسول، جان‌دبلیو. (۱۳۹۰). روش و طرح تحقیق کیفی؛ انتخاب از میان پنج رویکرد، ترجمه‌ی طهمورث حسنقلی‌پور، اشکان الهیاری و مجتبی براری، تهران: نگاه دانش.
 - کلانتری، محسن، غزلباش، سمیه و کاظم جباری. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل (مورد مطالعه: جرائم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان)»، فصلنامه‌ی نظم و امنیت انتظامی، شماره‌ی سوم، سال دوم، صص ۷۳-۱۰۰.
 - گلچین، مسعود و علی‌حیدر حیدری. (۱۳۹۱). خشونت بین‌فردی و سرمایه‌ی اجتماعی در خانواده و مدرسه: مطالعه‌ی اجتماعی در دبیرستان‌های پسرانه‌ی نورآباد لرستان، مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره‌ی ۱، صص: ۲۱۲-۱۷۷.
 - محسنی تبریزی، علیرضا، قهرمانی، سهراب و سجاد یاهک. (۱۳۹۰). فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت (مطالعه‌ی موردی فضاهای بی‌دفاع شهر تهران)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره‌ی ۴۴، صص: ۷۰-۵۱.
 - میرفردی، اصغر و آسیه صادق‌نیا. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی دوم، صص ۷۳-۴۱.
 - ناییبی، هوشنگ و تقی جسور خواجه. (۱۳۸۸). «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی»، توسعه روستایی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۱، صص ۱۱۵-۱۲۸.
 - نظری، جواد و عباس امینی فسخودی. (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام»، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۷، شماره‌ی اول، پایانی ۵۴، صص ۱۸۷-۲۱۰.
 - Ali, Bina, Swahn H. Monica and Kymberle L. Sterling (۲۰۰۱). Attitudes about Violence and Involvement in Peer Violence among Youth:

Findings from a High-Risk Community. *Journal of Urban Health: Bulletin of the New York Academy of Medicine*, Vol. 88, No. 6, pp 1158-1174.

- Bourdieu, Pierre (1990). *The Logic of Practice*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Brookman, Fiona, Bennett, Trevor, Hochstetler, Andy and Heith Copes (2011). The 'code of the street' and the generation of street violence in the UK. *European Journal of Criminology*, Vol. 8, No. 1, pp: 17-31.
- Glaser, B and Strauss, A (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies For Qualitative Research*, New York: Aldine.
- Guerra, Nancy G., Huesmann, L. Rowell and Anja Spindler (2003). Community Violence Exposure, Social Cognition, and Aggression among Urban Elementary School Children. *Child Development*, Vol. 74, No. 5, pp: 1561- 1576.
- Johnson, S B., Frattaroli, S., Wright, J L., Pearson-Fields, C B. and T L. Cheng. (2004). Urban youths' perspectives on violence and the necessity of Fighting. *Injury Prevention*, Vol. 10, pp: 287-291
- Le Franc, Eisie, Samms-Vaughan, Maureen, Hambleton, I, Fox, Kristin and Dennis Brown (2008). "Interpersonal violence in three Caribbean countries: Barbados, Jamaica, and Trinidad and Tobago". *Rev Panama Salud Publica*. Vol. 24, No. 6, pp. 49-521.
- Simons, Ronald L. and Callie Harbin Burt (2011). LEARNING TO BE BAD: ADVERSE SOCIAL CONDITIONS, SOCIAL SCHEMAS, AND CRIME. *Criminology*. 2011 May 1; 49(2): 553-598.
- Stewart, Eric A., Schreck, Christopher J. and Ronald L. Simons (2006). "I Ain't Gonna Let No One Disrespect Me" Does the Code of the Street Reduce or Increase Violent Victimization among African American Adolescents?, *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 43, No. 4, pp: 427- 458.
- Wikström, Per-Olof H. and Robert Svensson. (2008). "Why Are English Youths More Violent than Swedish Youths? A Comparative Study of the Role of Crime Propensity, Lifestyles and Their Interactions in Two

Cities". *European Journal of Criminology*. 2008; 5; 309- 330.

- World Health Organisation. (2009). *changing cultural and social norms supportive of violent behaviour (Series of briefings on violence prevention: The evidence)*. Geneva, Switzerland: Author.